نگاهی به نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که میزبان دوست داران کتاب و کتاب‌خوانی است

جشن بی‌رمق کتاب در ایستگاه سی‌وسوم

سید محمدرضا هاشمی

درنگ

سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران روز ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ درحالی پس از دوسال تعطیلی به دلیل شیوع کرونا از خواب زمستانی بیدار شد که بی برنامگی برگزارکنندگان و ناهماهنگی بین ناشران و برگزارکنندگان در روز اول به شدت پیدا بود. درحالی که چند ساعت از آغاز نمایشگاه گذشته بود، دست اندرکاران اجرایی درحال نصب چادر های غول پیکر در فضاهای خالی مصلای تهران بودند. بخش کودک و نوجوان به جای آنکه برای کودکان فضایی پرنشاط را فراهم کنند در تاریکی ناشی از قطعی برق در برخی ساعات به سر می برد. راهروها شماره گذاری نشده بود و صدای گوش خراش دریل که از بعضی غرفه ها به گوش می رسید، فضای پر از سروصدا را به وجود آورده بود. هرچند که سی وسومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در روز ششم به دلیل آلودگی هوا تعطیل شد و در روز هفتم به کار خود ادامه داد، اما همچنان وقتی در راهروهای این نمایشگاه راه می روید، متوجه تفاوت های آشکاری در این دوره از نمایشگاه که بعد از دو سال تعطیلی دوباره قامت راست کرده خواهید شد. بسیاری از ناشران که سال ها سابقه حضور در نمایشگاه کتاب تهران را دارند، بر این باورند که به استثنای روزهای دوم و سوم، نمایشگاه کتاب امسال تفاوت چشمگیری در میزبانی از مخاطبان و دوستداران کتاب داشته است. حتی در روز هفتم و یک روز بعد از تعطیلی به دلیل آلودگی هوا همچنان به روزهای اوج خود که در دوره های گذشته آن را تجربه کرده است بازنگشته است. از دیگر ویژگی های نمایشگاه امسال برگزاری هم‌زمان نمایشگاه مجازی در کنار نمایشگاه حضوری کتاب است. در نمایشگاه مجازی به مخاطبان امتیازاتی نظیر بن کتاب، تخفیف بیشتر و ارسال رایگان کتاب هم داده شده تا آن ها بتوانند در هرکجای ایران که هستند از این امکانات استفاده کنند. هرچند که نمایشگاه حضوری همچنان طرفداران خود را دارد و بسیاری بر این باورند نباید برگزاری نمایشگاه کتاب به سمت مجازی شدن پیش برود.

غرفه های بزرگ اما خالی از مخاطب

برخی از ناشران، در نمایشگاه امسال حضور نداشتند، تا روز اول چیزی حدود ۱۰ ناشر به نمایشگاه نیامده بودند. این نیامدن هم فقط یک دلیل درست و محکم داشت؛ اینکه از کتاب فروشی های شهر و محل زنده بمانند. اینکه ناشر جماعت نیاید خودش مستقیم کتاب بفروشد. درواقع حرف اصلی آن ها این است که ناشر نباید پا چال نشین شود. بلکه باید کتاب خوب تولید کند و فروش را بگذارد به عهده بقیه. نمایشگاه کتاب باید بیشتر محل عرضه، معرفی و گفت وگو با مؤلفان و مترجمان و ناشران باشد تا صرفا تمرکز کردن روی فروش کتاب. این بحث همیشگی نمایشگاه است که البته هر بار به در بسته می خورد. بدتر از هرچیز باید حضور ناشران کم رمق و بی حال دولتی را وصله ناجور و هرساله نمایشگاه بین المللی دانست. غرفه های بزرگ با دکورهای شیک اما خالی از مخاطب. سالن ناشران عمومی که درگذشته بیشتر میزبان ناشران صاحب نام و باسابقه کشور بودند که آخرین کتاب های چاپ شده خود را برای عرضه به مخاطبان به نمایشگاه کتاب می آوردند، امسال اما جای خالی این ناشران با غرفه ناشران وابسته به نهادهای دولتی پرشده است. موضوعی که بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب تهران هم به آن اشاره می کنند و با انتشار عکس هایی از این غرفه ها که اغلب هزینه قابل توجهی در مقایسه با ناشران خصوصی برای تزیین به کار برده اند در فضای مجازی به این موضوع اعتراض کرده اند.

> یکی از نکاتی که در نمایشگاه کتاب امسال به چشم می آید، نبود ناشران شهرستانی به جز چند ناشر معدود در این نمایشگاه است. در این رویداد از میان ناشران مشهدی تنها انتشارات آستان قدس رضوی و انتشارات (ستاره ها) حضور یافته اند

جای خالی ناشران شهرستانی

یکی از نکاتی که در نمایشگاه کتاب امسال به چشم می آید، نبود ناشران شهرستانی به جز چند ناشر معدود در این نمایشگاه است. به عنوان مثال آن چه به چشم می آید این است که از میان ناشران مشهدی تنها انتشارات آستان قدس رضوی «به نشر» و انتشارات «ستاره ها» به صورت فیزیکی در این رویداد حضور یافته اند. شاید هزینه های بالای حضور در تهران به منظور شرکت در نمایشگاه، آنان را از آمدن به این نمایشگاه بازداشته است. اما چه خوب بود اگر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در همه استان ها از ناشران برجسته خود برای حضور در سی وسومین نمایشگاه کتاب تهران حمایت می کرد، تا این ناشران بتوانند در کنار ناشران برجسته پایتخت عیار خود را بسنجند و برای بهبود کیفیت کتاب های تولید شده خود در آینده گام بردارند. به هرحال نمایشگاه کتاب تهران مهم ترین میدان و جشن کتاب در کشور است و با توجه به اینکه در سال های گذشته ما در شهرستان های کشور نمایشگاه کتابی به دلیل اپیدمی کرونا نداشته ایم شاید در نتیجه، حضور ناشران شهرستانی در نمایشگاه کتاب و فروش کتاب هایشان انرژی و توان مضاعفی برای فعالان شهرستانی حوزه نشر و کتاب در برمی داشت.

رونق سالن ناشران خارجی با حضور پررنگ افغانستان

چندسالی است که ناشران افغانستانی چه آن ها که در ایران هستند و چه ناشرانی که از این کشور برای شرکت در نمایشگاه به تهران می آیند، باعث رونق بخش ناشران خارجی و آشنایی مخاطبان ایرانی با آثار نویسندگان، شاعران و فرهیختگان کشور دوست و برادر ما شده است. ۱۰ ناشر افغانستانی در سی وسومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آثار خود را به این نمایشگاه آورده اند و باعث رونق بازار کتاب در طبقه فوقانی سالن ناشران عمومی شده اند. نشر «تاک» و «آمو» دو ناشر افغانستانی نمایشگاه سی وسوم در حاشیه برگزاری نمایشگاه از سه کتاب رونمایی و جشن امضای آن را برگزار کردند. حضور ناشران افغانستانی در نمایشگاه به مخاطب ایرانی این فرصت را داده است که با فرهیختگان کشور همسایه آشنا شود و آثار آن ها را با زبان فارسی بخواند. علاوه بر غرفه ناشران افغانستانی حاضر در نمایشگاه، غرفه کره جنوبی از جمله غرفه های پرطرفدار در بخش ناشران خارجی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران است. اغلب بازدیدکنندگان این غرفه نوجوانان و جوانان هستند و به نظر می رسد سریال ها و گروه های موسیقی کره ای در جلب نظر جوانان ایرانی موفق بوده اند و نوجوانان ایرانی را مشتاق آشنایی با فرهنگ خود کرده اند.

جای خالی گروه های دانشجویی

در دوره های گذشته نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گروه های مختلف دانشجویی به صورت اردوهای برنامه ریزی شده به مقصد نمایشگاه به تهران می آمدند و حضور آن ها در نمایشگاه کتاب جلوه خوبی به جشن کتاب ایران می داد. اما در نمایشگاه سی و سوم جای خالی گروه های دانشجویی به چشم می آید که به نظر می رسد این هم از دیگر تأثیرات شیوع کرونا و غیرحضوری بودن دانشگاه ها در کشور است.

حالا چند روز بیشتر به پایان نمایشگاه کتاب تهران نمانده، آمارهای منتشرشده از سوی مسئولان برگزاری نمایشگاه مجازی، حکایت از حمایت مخاطب از این نوع برگزاری دارد. احتمالا در روزهای باقی مانده علاقه مندان بیشتری به مصلای تهران بیایند تا کتاب های مورد نظر خود را تهیه کنند. به امید آنکه کتاب خوانی در میان هم وطنان ما ترویج شود، نمایشگاه کتاب در شهرستان ها با کیفیت برگزار شوند و قیمت پشت جلد کتاب ها نیز کم شود.

اخبار روز

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان:

هنوز اثر داستانی در شأن خیام نداریم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی در همایش علمی خیام به مناسبت روز ملی خیام در دانشگاه نیشابور گفت: مفاخر ما سرمایه های معنوی کشورمان هستند و نباید بگذاریم مفاخر ما مانند مولانا و نظامی به خاطر اینکه آرامگاهشان در خارج از ایران کنونی قرار دارد مصادره شوند.
به گزارش ایرنا محمد حسین زاده افزود: برگزاری این همایش ها در معرفی و تبیین شخصیت علمی، فرهنگی و هنری مفاخرمان بسیار مؤثر است و کمتر کشوری در دنیا دارای این تعداد مفاخر است ولی ما نتوانسته ایم مفاخرمان را از لایه های علمی دانشگاه به سطح جامعه بیاوریم.
او افزود: زندگی و زمانه خیام هم‌زمان اوج دوران علم و فرهنگ در بلاد اسلامی است و نیشابور در آن زمان یکی از قله های افتخار تمدن بوده است و جالب اینکه این دوره هم‌زمان با قرون وسطی در اروپا و اوج سرکوب علم در این قاره بوده است.
وی اضافه کرد: آنچه که امروز غرب تلاش می کند از چهره خیام نشان دهد چهره علمی و فلسفی او نیست بلکه تنها نگاهی ظاهری به شعر خیام است.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی گفت: ما هنوز نتوانسته ایم در ادبیات داستانی اثری شایسته برای خیام و عطار خلق کنیم و از این طریق تفکر و فلسفه عمیق مفاخرمان را به نسل جدید و جهانیان معرفی کنیم.

انتشار «مشهدیات» درباره اشعار گویشی خراسان

گروه فرهنگ و هنر

«مشهدیات» که چند روزی است روی پیشخان برخی کتاب فروشی ها قرار گرفته، کتابی است درباره شعرهای گویشی خراسان که جواد کلیدری، نویسنده و شاعر مشهدی، آن را نگارش و به وسیله نشر شادیاخ نیشابور منتشر کرده است. این کتاب ۳۴۰ صفحه ای در دو بخش تهیه شده است. بخش اول آن مقدمه ای است بر وضعیت زبان، گویش، شعر گویشی و دلایل از رونق افتادن این گونه شعری و در بخش دوم آن اشعار شاعران گویشی خراسان گردآوری شده است.
جواد کلیدری، درباره کتابش می گوید: این اثر در واقع تذکره شاعران شعر گویشی مشهد است، هم شاعران در گذشته و هم شاعرانی که در قید حیات هستند. من برای نگارش و گردآوری مطالب این اثر ادبی پژوهش کردم تا به ۴۴ شاعر گویشی رسیدم.
او که مقدمه ای ۷۰ صفحه ای بر کتابش نوشته است، بیان می کند: در کنار اینکه خواستم اشعار شاعران گویشی را گردآوری کنم، به دنبال وضعیت زبان و گویش و شعر گویشی بودم و این موارد را در مقدمه ای مفصل نوشته ام.
کلیدری با بیان اینکه در این اثر اشعار را آوانگاری کرده است تا برای غیرخراسانی ها هم فهمیدنی باشد، می گوید: پیش از این اثری اختصاصی در حوزه اشعار گویشی مشهد و خراسان نداشتیم. هیچ پژوهشی هم در این باره نشده بود. من این خلأ را حس کردم و تصمیم گرفتم اثری در زمینه شعر گویشی تولید کنم.
این نویسنده بیان می کند: مهم است بدانیم چرا گویش مشهدی از رونق افتاده است. شاید اولین دلیلی که به ذهن بیاید، سرعت پیشرفت علم و فناوری باشد که فرصت پرداختن به داشته های بومی را از ما گرفته است. این مطلب درست است، زیرا در همه مناطق ایران حتی در دنیا چندین گویش بین المللی به همین دلیل از بین رفته است. اما درباره گویش مشهدی یک دلیل دیگر هم وجود دارد، اینکه برخی مدیران و مسئولان در قبال فرهنگ شفاهی خودشان احساس وظیفه نمی کنند و آن هایی هم که چنین احساسی دارند، بیشتر جنبه طنز گویش مشهدی را در نظر می گیرند.
مثلا خودتان می بینید اگر در یک برنامه یا فیلم لهجه اصفهانی باشد، معمولا شخصیتی جدی آن را بیان می کند، اما لهجه مشهدی بیشتر برای شخصیت های سطحی و حتی گاه برای لودگی به کار می رود. این در حالی است که گویش و لهجه بخشی از ادبیات شفاهی هر منطقه است، مثل افسانه ها، جشن ها و سوگ ها. به ویژه درباره شعر گویشی باید بگویم این نوع شعر خیلی متفاوت است. با عواطف و احساسات مردم محله و زندگی روزمره شان سروکار دارد.
کلیدری در بخشی دیگر از صحبت هایش به نبود حمایت مسئولان در زمینه انتشار چنین آثاری اشاره می کند و می گوید: در ابتدا قرار بود کتاب را با حمایت مدیران فرهنگی شهر چاپ کنم، اما با وجود دوندگی های بسیار این وعده عملی نشد و ناچار شدم کتاب را با هزینه شخصی و فقط در تیراژ ۲۰۰ تایی چاپ کنم. مسئولان نباید این طور پشت هنرمند را خالی کنند.

موافقت با ساخت فیلم سینماگر مشهدی

شورای صدور پروانه ساخت سینمایی در جلسه اخیر با تولید فیلم نامه «ستاره سینما» به تهیه کنندگی احسان ظلی پور و کارگردانی و نویسندگی عادل تبریزی هنرمند مشهدی موافقت کرد. «ستاره سینما» دومین ساخته سینمایی تبریزی محسوب می شود. او پیش از این فیلم سینمایی «گیج گاه» با بازی حامد بهداد، باران کوثری و جمشید هاشم پور را ساخته بود.
فیلمی که در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد اما هنوز به نمایش همگانی نرسیده است. سریال «جناب عالی» به کارگردانی این سینماگر مشهدی هم ماه رمضان امسال از پلتفرم تلویزیون پخش شد. «آتش بس ۳» به تهیه کنندگی محمد نیک بین و کارگردانی و نویسندگی تهمینه میلانی و «عطر آلود» به تهیه کنندگی یوسف منصوری و کارگردانی هادی مقدم دوست و نویسندگی حسین حسنی دو اثر دیگری است که موافقت شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی را دریافت کرده اند.

درباره نمایشگاه انفرادی نقاشی «شرح شیدایی»، از ابوالفضل غنایی در نگارخانه رضوان

نقاشی که قرار نیست پیر شود

عکس: ساناز صفایی/ شهرآرا

امیرمنصور رحیمیان
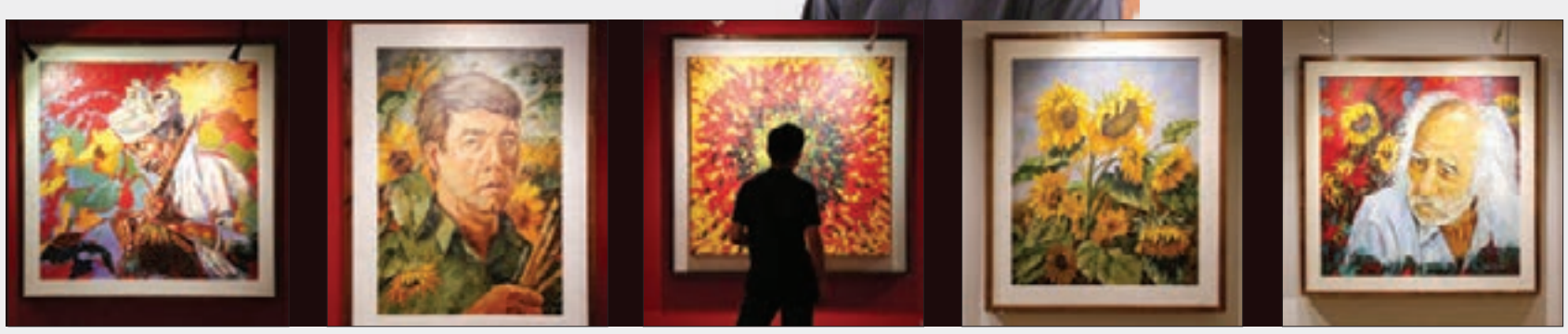
هر هنرمند تا جایی در اصول و قواعد هنرش پیش می رود و بعد از آن، شروع به تکرار خود می کند. یک آهنگ ساز خوب آن قدر می نوازد و می نویسد تا امضای خودش را پیدا کند، طوری که با شنیدن یک قطعه از موسیقی بتوان فهمید که مربوط به کدام آهنگ ساز است. به همین دلیل است که گوش های آموزش دیده بدون فهمیدن اسم آهنگ ساز می توانند فرق بین سوناتی را که بتهوون نوشته است، با موسیقی شوپن یا شاستاکوویچ بفهمند. همین قاعده برای نقاش ها و دیگر هنرمندان هم صادق است. این موضوع در نمایشگاه «شرح شیدایی» ابوالفضل غنایی کاملا نمود دارد. نگارخانه رضوان با آن سالن وسیع و بزرگش که با سلیقه رنگ آمیزی شده، این بار میزبان آثار براق و پرکشش غنایی است، نمایشگاهی که حاصل تلاش هنرمند، برای دست پیدا کردن به فرم منحصر به خودش است، نمایشگاهی پر از آفتاب و گل های آفتابگردان که هرکدام سر به سویی چرخانده اند.
نقاش با استفاده زیاد از رنگ های زرد و گرم، مخاطب را مهمان گرمایی خارق العاده می کند. گرمایی که فقط با رنگ قابل لمس نیست، بلکه مهم تر از آن، بافت هایی است که در همه تابلوها به وفور مشاهده می شود. این بافت ها با کاردک، پررنگ و ضخیم شده اند و از فرط تکرار، لبه های تیز و ناهماهنگشان را در زاویه چشم مخاطب جا می گذارند. غنایی با این نمایشگاه نشان داده که به بافت و رنگ علاقه مخصوصی دارد و آن قدر روی این دو اصل تکیه کرده است که دیگر امور از دستش خارج شده است. نقطه قوت آثار غنایی، انتخاب رنگ ها و تکنیکی است که برای رنگ گذاری انتخاب کرده است. آثار به سبک امپرسیونیسم و با ضربه های کوتاه و محکم کاردک و قلم مو کار شده اند. حتی در آثاری که در سبک و سیاق طبیعت بی جان هم کار شده اند، می توان رد و پی تکنیک کاردک روی بوم را دید.
در نمایشگاه «شرح شیدایی» می توان آثار را به سادگی، به چند بخش تقسیم کرد؛ آثاری که در زمان های دور کار شده اند و سن آن ها حدود ۲۰ سال است همچون پرتره های اساتید فقید قدیر صباغیان، محمد حسین ترمه چی، غلام علی پورعطایی و... و آثاری با قدمت کمتر و جوان تر. ولی یک چیز در همه آن ها یکسان است.
شوق بی اندازه هنرمند برای درک اشیا و حس و حال پنهان شده در آن ها و ذهن جوان و سیال او. این تجربه کردن و نهراسیدن از نتیجه و حرف هایی که ممکن است پشت سر هنرمندی هم سن او گفته شود، از غنایی، نقاشی ساخته است که می تواند از خودش هم سبقت بگیرد و کار جدیدی انجام بدهد. با اینکه یک ایراد اساسی به آثار او وارد است و آن، پیدا نکردن فرم مناسب برای کارهایش است، او دست از آزمودن اتفاقات تازه و قدم گذاشتن در جاده های تاریک و ناآزموده برنمی دارد.
او برای رسیدن به فرم های مناسب و منطقی با کارش از رفتن هیچ مسیری فروگذار نمی کند. همین موضوع نمایشگاه را پویا و جذاب می کند. مخاطب در رویارویی با نمایشگاه، شاهد تلاش هنرمند برای رسیدن به چیز تازه ای است. تلاشی دیدنی و لذت بخش که در آثار به شکلی فوق العاده خود را نشان می دهد. کارهای غنایی به هیچ عنوان بازاری نیست. یک نوع تجربه زیستن است. او از نمایش کارهای ضعیفش در کنار آثار خوبش، ابایی ندارد.
تناقض خودخواسته ای را به خوبی در آثار او می توان مشاهده کرد. آنجایی که یکی از لطیف ترین اجزای طبیعت یعنی گل ها را برای طراحی انتخاب می کند؛ رنگ هایی گرم و زنده استفاده می کند، ترکیب هایی دلنشین و ترکیب بندی های کم نقص اجرا می کند و در عین حال تکنیکی برای انجام کار انتخاب می کند که به شدت زبر و ناهمگون است و ردش روی روح بیننده تا مدت ها باقی می ماند. او فرم ها را یکی درمیان به هم می آمیزد و از آن میان، کارهایی کاملا حسی و فارغ از قید و بندهای مبانی نقاشی بیرون می دهد. چیزی که نمایشگاه غنایی را تبدیل به جایی برای حس کردن و لذت بردن از هم نشینی رنگ ها و بافت ها بدون فکر کردن به اصول و قواعد دست و پا گیر می کند. حاصل این فرایند، ذهنی می شود که از دست هنرمند قوی تر و جوان تر است. ذهنی که به او اجازه می دهد راهی را برود که کمتر آدمی جرئت می کند در آن قدم بگذارد.
این نمایشگاه امروز صبح از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در نگارخانه رضوان در کوهسنگی ۱۷ میزبان علاقه مندان به هنر نقاشی است.